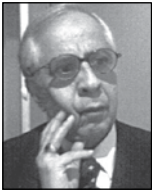


مردان شماره ۱ و ۲ ایران ناسیونال

(قسمت چهارم)

esrazmasa@yahoo.com



اسماعیل رزم آسا

روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران

شرکت تضامنی برادران خیامی خیلی زود گرفت به طوری که به تدریج مغازه‌های اطراف و اتاق‌های طبقات بالای ساختمان را اول اجاره و بعد خریداری کردند و از یک مهندس آرشیستکت خواستند تا تغییر دکوراسیون، طبقه اول را تبدیل به یک فروشگاه بزرگ و طبقات بالا را تبدیل به آپارتمان‌های دفتری بکند. رونق کار فروشگاه آن قدر زیاد بود که آنها تعدادی کارمند، ویزیتور و فروشنده استخدام کردند. این فروشگاه بعدها به نام «پی.ال. پی.» به صورت یکی از بزرگترین فروشگاه‌های قطعات یدکی اتومبیل در ایران شناخته شد درآمدش آن قدر زیاد بود که آنها می‌توانستند تا آخر عمر در ناز و نعمت زندگی کنند اما هدف برادران خیامی این نبود، آنها آرزوهای دور و دراز داشتند.

از آن جا که مرحوم احمد خیامی و برادرش محمود، نیت خیر داشتند موجباتی فراهم می‌شود که احمد با (فریدون سودآور) داماد مرحوم حاج حسین آقای ملک که خود (سودآور) یکی از ثروتمندان مشهور و موفق ایران و نماینده فروش اتومبیل‌ها و اتوبوس‌های مرسدس بنز و همچنین سازنده کامیون‌های خاور بود آشنا و دوست می‌شود و سودآور همواره از این دوست صدیق و فعال و پاک طینت خود حداکثر حمایت را می‌نماید و موجبات آشنایی وی را با رجال وقت فراهم می‌کند تا آن جا که در پیشرفت کار آنها تاثیر فراوانی می‌گذارد. این بحث همچنان ادامه دارد.

و می‌شسته است.»
خیامی‌ها بعد از مدتی به علت فعالیت زیادی که در استان خراسان داشتند کارخانه بنز آلمان به پاس خدمات آنها، یک بنز کروکی دو در به آنها جایزه می‌دهد. بعد هم ابتدا احمد و سپس محمود به تهران می‌روند و فعالیت‌های خود را در آن جا ادامه می‌دهند.

آنها در آغاز، زمینی در جاده کرج برای اتاق‌سازی می‌خرند و در آن تاسیسات لازم را احداث می‌کنند. هر ماه تعداد ۲۰ الی ۳۰ کارگر از مشهد با قطار به تهران می‌برند و مخارج آنها را می‌پردازند و پس از یکی دو ماه کار آزمایشی،



محمود خیامی

آنهايي که از خود مهارت و توانایی نشان می‌دادند استخدام می‌شدند و کسانی که توانایی نداشتند با پرداخت دستمزد کامل و هزینه برگشت به مشهد مراجعت می‌دادند.

احمد خیامی در مورد انتخاب عنوان «شرکت تضامنی برادران خیامی» می‌گوید: «این عنوان به کار اهمیت می‌داد و طرف‌های معامله متوجه می‌شدند که شرکت فقط در حد سهام، مسوول بدهی‌هایش نیست و آنها می‌توانند برای وصول مطالبات خود از سایر دارایی‌های برادران خیامی هم اقدام کنند.»

ولی فروشندگان قطعات یدکی مارک‌های مختلف اتومبیل، هرگز برای وصول مطالبات خود نیازی به چنین اقداماتی پیدا نکردند زیرا کار

در شماره قبل (۲۱۴) به سبب چاپ گزارشی از انجمن فرهنگی و ادبی امیرکبیر به علت کثرت مطالب در انتشار این سلسله مقالات و نیز مقالات مربوط به قرارداد ۱۹۱۹ وقفه‌ای رخ داد که موجب شرمندگی نویسنده را فراهم کرد.

بدین‌وسیله لازم می‌دانم از کسانی که در نمایشگاه مطبوعات، از غرفه مجله‌ی گزارش دیدن نموده و غیابا نسبت به نویسنده ابراز لطف کرده، همچنین دیگر عزیزانی که حضوری و تلفنی و یا توسط ایمیل اظهار محبت نموده بودند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

بی‌مزد بود و منت، هر خدمتی که کردم

یا رب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت

شنیدم لاجوردی که صنایع عظیم بهشهر

را در این مملکت دایر کرد در همین تهران با الاغ لاجوردفروشی می‌کرده و یک روز وقتی آن الاغ را از روی پل کم‌عرضی عبور می‌داده آن حیوان پایش سُر می‌خورد و می‌افتد و خورجینی که بر پشت آن حیوان بوده به جوی آب سرازیر می‌شود و لاجوردها را آب می‌برد و لاجوردی که نمی‌دانم که در قید حیات هست یا نه تا تکلیفم را در نوشتن نامش بدانم، در کنار جوی می‌نشیند و به خاطر از دست دادن لاجوردها زارزار می‌گرید!

کوشش و عزم فداکاری و ایمان درست

گر دهد دست به هم سد سکندر شکند

او که در دی ماه ۱۳۰۸ خورشیدی در مشهد به دنیا آمده می‌گوید: «... من که در دبیرستان شاهرضا در مشهد درس می‌خواندم برای راه‌اندازی تعمیرگاه مشغول کار شدم و شب‌ها برای ادامه تحصیل در آموزشگاه شبانه رازی تحصیل می‌کردم. در سال ۱۳۳۸ عازم تهران شدم و به اتفاق برادرم ایران ناسیونال را تاسیس و اجازه ساخت اتوبوس و بعدا اجازه ساخت اتومبیل سواری را از دولت دریافت کردیم. من افتخار خادمی علی‌بن موسی‌الرضا را دارم و خود اوست که همیشه پشتیبان من در سخت‌ترین شرایط می‌باشد.»

محمود خیامی نیز همچون برادرش احمد هنگامی که در مشهد بوده: «... لباس می‌پوشیده و چکمه به پا می‌کرده و ماشین‌ها را تعمیر و روغن کاری و قطعات فرسوده را تعویض می‌نموده

وقوع یک اشتباه

در شماره گذشته صفحه ۴۹ نام آقای دکتر ناصر ناظم فوق تخصص و جراح قلب و عروق بزرگسالان و اطفال و استادیار دانشگاه که در پایان هر جلسه در بنیاد پرفسور حسابی به جمع بندی مطالب مطرح شده می پردازند به اشتباه «دکتر ناظمی» آمده بود که با پوشش از ایشان بدینوسیله اصلاح می شود.